



موج ۲۵

مرحله‌ای
و جامع

ویژه آمادگی شرکت در امتحان‌های نهایی و نیم‌سال

فارسی یازدهم

(همه رشته‌ها)

احسان محسنی



امتحان‌های
درس به درس

درس‌نامه برای
مرور مطالب

امتحان‌های
نیم‌سال اول و
دوم

امتحان‌های
موضوعی

امتحان‌های
فصل به فصل

پاسخ‌های
تشریحی +
کلید تصحیح

امتحان‌های
نهایی اخیر

امتحان‌های
شبیه‌ساز نهایی

پیشگفتار

به نام نامی یزدان

درودها از فرزند ایران، احسان

بر شما خوبان!

اکنون اهمیت نمرات امتحانات نهایی و تأثیر قطعی معدل در کنکور و به خصوص نمره درس فارسی (با توجه به ضریب بالای آن) بر کسی پوشیده نیست. درس فارسی با تمام زیبایی‌هایش یکی از سخت‌ترین دروس در امتحانات نهایی است. بنابراین کتابی لازم است که پس از یک بار مطالعه خوب جزوه دبیر، بتوانید با آن مطالب را جمع‌بندی و سؤالات خوب حل کنید.

کتاب موج ۲۰ فارسی یازدهم در دو بخش کلی شما را یاری می‌کند:

۱ درس‌نامه

۲ آزمون

درس‌نامه

درس‌نامه این کتاب، برای مرور و جمع‌بندی مطالب گزینه بسیار مناسبی است. افراد فارغ‌التحصیلی که خواهان ایجاد سوابق تحصیلی هستند، می‌توانند به راحتی با مطالعه همین درس‌نامه، با محتویات کتاب درسی آشنا شوند و دانش‌آموزان پایه یازدهم نیز بهتر است یک بار جزوه دبیر خود را مطالعه و سپس برای تکرار روند مطالعه، از این کتاب استفاده کنند.

درس‌نامه شامل موارد زیر است:

۱ واژه‌نامه کتاب به ترتیب حروف الفبا (حدود ۴۲۰ واژه)

۲ واژگان دارای املاي مهم و بررسی آن‌ها در جمله (حدود ۴۰۰ جمله)

۳ مفهوم ابیات و عبارات سراسر کتاب (حدود ۳۰۰ مورد)

۴ بررسی مفاهیم داخل روان‌خوانی‌ها (۱۱۸ مورد)

۵ بررسی مفاهیم داخل گنج حکمت‌ها

۶ تمام کنایه‌های مهم و کاربردی داخل کتاب (حدود ۳۵۵ مورد)

۷ تمام اضافه‌های تشبیهی (۵۳ مورد)

۸ تمام اضافه‌های استعاری (۴۱ مورد)

۹ آیات و عبارات عربی (۶ مورد)

۱۰ جمع‌بندی موضوعی تاریخ ادبیات (۴۰ مورد)

۱۱ شعرخوانی‌ها

آزمون‌ها (حدود ۱۰۰۰ سؤال تألیفی) شامل موارد زیر است:

- ۱ آزمون‌های (تألیفی) درس به درس، هر درس ۱ آزمون (۱۶ مورد)
- ۲ آزمون‌های (تألیفی) فصل به فصل، هر فصل ۱ آزمون (۸ مورد)
- ۳ آزمون‌های (تألیفی) نیم‌سال اول (۴ مورد)
- ۴ آزمون‌های (تألیفی) نیم‌سال دوم (۲ مورد)
- ۵ آزمون‌های (تألیفی) موضوعی «آرایه» و «دستور زبان» (۴ مورد)
- ۶ آزمون‌های (تألیفی) جامع شبیه‌ساز نهایی (۶ مورد)
- ۷ آزمون‌های شبه‌نهایی و نهایی (۱۰ مورد)

لازم به تذکر است که امتحان نهایی شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش شامل ۱۰ نمره فارسی و ۱۰ نمره نگارش است. از آنجایی که دانش‌آموزان شاخه نظری (ریاضی و فیزیک - علوم تجربی - ادبیات و علوم انسانی) صرفاً درس فارسی را به صورت نهایی امتحان می‌دهند، سؤالات مرتبط با درس نگارش حذف شده‌اند. به همین دلیل آزمون‌های ۴۳ و ۴۷ آزمون‌هایی ۱۰ نمره‌ای هستند.

روش استفاده از این کتاب:

پیشنهاد می‌کنیم پس از مطالعه درس‌نامه، آزمون‌ها را درس به درس از خود امتحان بگیرید و دقیقاً همانند یک مصحح امتحان نهایی، با خودکار قرمز، تصحیح کنید و به خود نمره دهید!

همچنین از آزمون‌های فصلی و جمع‌بندی، برای آزمون‌های نوبت اول و دوم استفاده کنید.

حُسن ختام این پیشگفتار، تشکر از عزیزان همراه و دلسوز است:

از همکاران ارزشمندم در انتشارات الگو، خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و خانم پریا میانجی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب، تشکر، قدردانی و سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از خانم‌ها سارا رهنمون و زهره نوری برای ویراستاری علمی کتاب و خانم‌ها سوده زارعی و ارمغان صبح‌خیز که آماده‌سازی کتاب بی‌یاری ایشان ممکن نبود، قدردانی می‌کنم.

امید آنکه:

به مهر و به داد و به خوی و خرد زمانه همی از تو رامش بُرد
«فردوسی»

سربلند و اثرگذار باشید

احسان محسنی

فهرست مطالب

۴۲ واژه‌نامه به ترتیب حروف الفبا	درسنامه
آزمون‌های مرحله‌ای و جامع	مفاهیم ابیات و عبارات ۲
۵۰ آزمون ۱: درس ۱	کنایه ۱۸
۵۱ آزمون ۲: درس ۲	روان‌خوانی (تا غزل بعد ...) ۲۴
۵۳ آزمون ۳: درس‌های ۱ و ۲ (فصل اول)	روان‌خوانی (میثاق دوستی) ۲۴
۵۵ آزمون ۴: درس ۳	روان‌خوانی (دیدار) ۲۵
۵۶ آزمون ۵: درس ۵	روان‌خوانی (آذرباد) ۲۷
۵۸ آزمون ۶: درس‌های ۳ و ۵ (فصل دوم)	مفاهیم گنج حکمت‌ها ۲۸
۶۰ آزمون ۷: درس ۶	املا ۳۰
۶۱ آزمون ۸: درس ۷	اضافه تشبیهی ۳۷
۶۳ آزمون ۹: درس‌های ۶ و ۷ (فصل سوم)	اضافه استعاری ۳۷
۶۵ آزمون ۱۰: درس ۸	آیات و عبارات عربی ۳۸
۶۶ آزمون ۱۱: درس ۹	شعرخوانی (زاغ و کبک) ۳۸
۶۸ آزمون ۱۲: درس‌های ۸ و ۹ (فصل چهارم)	شعرخوانی (آفتاب حُسن) ۳۹
۷۰ آزمون ۱۳: موضوعی (دستور زبان)	شعرخوانی (صبح بی‌تو) ۳۹
۷۳ آزمون ۱۴: موضوعی (آرایه)	شعرخوانی (وطن) ۳۹
۷۶ آزمون ۱۵: نیم‌سال اول (۱)	تاریخ ادبیات ۳۹

آزمون‌های جامع (شبیه‌ساز نهایی، شبه‌نهایی و نهایی)

آزمون ۳۵: جامع (۱) - شبیه‌ساز نهایی ۱۲۰

آزمون ۳۶: جامع (۲) - شبیه‌ساز نهایی ۱۲۳

آزمون ۳۷: جامع (۳) - شبیه‌ساز نهایی ۱۲۶

آزمون ۳۸: جامع (۴) - شبیه‌ساز نهایی ۱۲۹

آزمون ۳۹: جامع (۵) - شبیه‌ساز نهایی ۱۳۳

آزمون ۴۰: جامع (۶) - شبیه‌ساز نهایی ۱۳۶

آزمون ۴۱: جامع (۷) - شبه‌نهایی ۱۴۰۳ (صبح) ۱۳۹

آزمون ۴۲: جامع (۸) - شبه‌نهایی ۱۴۰۳ (عصر) ۱۴۳

آزمون ۴۳: جامع (۹) - فنی حرفه‌ای ۱۴۰۳ ۱۴۶

آزمون ۴۴: جامع (۱۰) - خرداد ۱۴۰۳ (داخل) ۱۴۸

آزمون ۴۵: جامع (۱۱) - شبه‌نهایی ۱۴۰۴ (صبح) ۱۵۱

آزمون ۴۶: جامع (۱۲) - شبه‌نهایی ۱۴۰۴ (عصر) ۱۵۵

آزمون ۴۷: جامع (۱۳) - فنی حرفه‌ای ۱۴۰۴ ۱۵۸

آزمون ۴۸: جامع (۱۴) - خرداد ۱۴۰۴ (داخل) ۱۶۰

آزمون ۴۹: جامع (۱۵) - خرداد ۱۴۰۴ (خارج) ۱۶۴

پاسخ‌های تشریحی ۱۶۷

آزمون ۵۰: جامع (۱۶) - تیر ۱۴۰۵ ۱۹۵

پاسخ آزمون (۵۰) ۱۹۸

آزمون ۱۶: نیم‌سال اول (۲) ۸۰

آزمون ۱۷: نیم‌سال اول (۳) ۸۳

آزمون ۱۸: نیم‌سال اول (۴) ۸۶

آزمون ۱۹: درس ۱۰ ۹۰

آزمون ۲۰: درس ۱۱ ۹۱

آزمون ۲۱: درس‌های ۱۰ و ۱۱ (فصل پنجم) ۹۳

آزمون ۲۲: درس ۱۲ ۹۴

آزمون ۲۳: درس ۱۴ ۹۶

آزمون ۲۴: درس‌های ۱۲ و ۱۴ (فصل ششم) ۹۷

آزمون ۲۵: درس ۱۵ ۹۹

آزمون ۲۶: درس ۱۶ ۱۰۰

آزمون ۲۷: درس‌های ۱۵ و ۱۶ (فصل هفتم) ۱۰۲

آزمون ۲۸: درس ۱۷ ۱۰۳

آزمون ۲۹: درس ۱۸ ۱۰۵

آزمون ۳۰: درس‌های ۱۷ و ۱۸ (فصل هشتم) ۱۰۶

آزمون ۳۱: موضوعی (دستور زبان) ۱۰۸

آزمون ۳۲: موضوعی (آرایه) ۱۱۱

آزمون ۳۳: نیم‌سال دوم (۱) ۱۱۴

آزمون ۳۴: نیم‌سال دوم (۲) ۱۱۷

درس نامه

مفاهیم ابیات و عبارات

درس

ابیات و عبارات

سبک

● آغاز سخن با نام و یاد خدا	● به نام چاشنی‌بخش زبان‌ها
● بلند آن سر، که او خواهد بلندش	● حلاوت‌سنج معنی در بیان‌ها
● عزّت و خواری دست خدا است.	● نام خدا موجب شیرینی و جذابیت کلام می‌شود.
● در نابسته احسان گشاده‌ست	● نژند آن دل، که او خواهد نژندش
● همگانی و نامحدود بودن لطف و بخشش خدا	● اراده خداوند بالای همه اراده‌ها است.
● به ترتیبی نهاده وضع عالم	● به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست
● آفرینش بی‌نقص و دقیق خداوند	● اعطای نعمت به هر کس به اندازه نیازش
● اگر لطفش قرین حال گردد	● همه ادب‌ها اقبال گردد
● سعادت‌بخشی لطف خداوند	● لطف خدا، بدبختی را به خوشبختی تبدیل می‌کند.
● وگر توفیق او یک‌سو نهد پای	● نه از تدبیر کار آید نه از رای
● ناکارآمدی انسان و ناتوانی عقل بدون توفیق خدا	
● خرد را گر نبخشد روشنایی	● بماند تا ابد در تیره‌رایی
● ناکارآمدی و گمراهی عقل انسان بدون لطف خدا	
● کمال عقل آن باشد در این راه	● که گوید نیستم از هیچ آگاه
● ناتوانی عقل در شناخت خدا	● مدّعیان شناخت خداوند، عقلشان ناقص است.

۱

● رزاق و روزی‌رسان بودن خداوند	● دگر روز باز اّتفاق اوفتاد
● ایمان به رزاقیت خداوند	● یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
● روزی‌رسانی خداوند	● کزین پس به کنجی نشینم چو مور
● مقدّر بودن روزی	● که روزی نخوردند پیلان به روز
● ترک تلاش برای کسب روزی به بهانه روزی‌رسان بودن خداوند	
● بی‌تأثیر بودن بزرگی و زور بازو در کسب روزی	
● ترک تلاش به امید کسب روزی	● زنخدان فرو برد چندی به جیب
● توکل به خدای روزی‌رسان بدون تلاش	● که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
● نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	● چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
● شدّت و ضعف لاغری به خاطر عدم کمک دیگران	● سرزنش توکل بدون تلاش
● توکل بدون تلاش نتیجه‌ای ندارد.	
● برو شیر درّنده باش، ای دغل	● مینداز خود را چو روباه شل
● دعوت به تلاش و اراده	● ترک تنبلی و وابستگی
● چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر	● چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟
● توصیه به تلاش و پرهیز از وابستگی	● دعوت به اطعام دیگران
● رزق هر چند بی‌گمان برسد	● شرط عقل است جُستن از درها
● سفارش به تلاش برای کسب روزی	● لزوم تلاش برای کسب روزی مقدّر

درس

ابیات و عبارات

۸

- دردی است غیر مردن، کان را دوا نباشد
 ● درمان‌ناپذیری درد عشق
 پس من چگونه گویم، کاین درد را دوا کن
 ● درمان درد عشق جز با مرگ امکان ندارد.
- در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم
 ● پیروی مرید (شاگرد) از مرشد (استاد)
 با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن
 ● بازگشت به اصل
 ترک دنیا
- به روز مرگ، چو تابوت من روان باشد
 ● آزادی و وارستگی عاشق
 گمان مبر، که مرا درد این جهان باشد
 ● خرسندی عاشق از بی‌تعلق بودن و به استقبال مرگ رفتن
- برای من مگر و مگو دریغ! دریغ! باشد
 ● حسرت واقعی، گرفتاری در هوا و هوس است.
 به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد
 ● سرزنش گرفتاری در دام‌های شیطان
- کدام دانه فرورفت در زمین که نرست؟
 ● زندگی مجدد انسان در دنیای دیگر (آخرت)
 چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد؟
 ● معاد
 زندگی پس از مرگ

۹

- به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم
 بی‌اختیاری در انجام کار اشتباه
 بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا
 ● فراهم بودن شرایط انجام خطا
- شربتی خوردن: ۱- دید سنایی؛ اشتباه و خطا ۲- دید دکتر اسلامی ندوشن: شروع به کار نویسندگی
 ● شربتی خوردن: ۱- دید سنایی؛ اشتباه و خطا ۲- دید دکتر اسلامی ندوشن: شروع به کار نویسندگی
- هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟
 ● حضور جسم و حواس پرتی عاشق
 من در میان جمع و دلم جای دیگر است
 ● جسم عاشق میان مردم و فکر او پیش معشوق است.
- کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق
 ● نام و یاد معشوق آرامش‌بخش است.
 بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی
 ● تقاضای بازگشت معشوق
- نام و یاد معشوق آرامش‌بخش است.
 ● مقصد نهایی عاشقان، رسیدن به معشوق است.
- بارها از تو گفتم از تو
 ● تمام فکر و حواس عاشق، معطوف به عشق است.
 ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق!
 ● عشق حقیقی است که دیده نمی‌شود.
- بارها از تو، بارها با تو
 ● عشق حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق!

۱۰

- وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم
 ● آمادهٔ سفر شدن
 دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
 ● آمادهٔ عبور از مشکلات و موانع شدن
- از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم
 ● حرکت همگانی برای مبارزه
 بانگ از جرس برخاست وای من خموشم
 ● سرزنش سکوت و بی‌تحرکی
- دریادلان، راه سفر در پیش دارند
 ● آمادگی رزمندگان و افراد شجاع برای مبارزه با دشمن
 پا در رکاب راهوار خویش دارند
- گاه سفر آمد برادر، ره دراز است
 ● اراده و خواست، چاره‌ساز است.
 پروا مکن، بشتاب، همت چاره‌ساز است
 ● تشویق برای همراهی
- گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
 ● حرکت به سوی فلسطین
 تا بوسه‌گاهِ وادی ایمن برانیم
 ● آمادگی برای حرکت
 مقدّس بودن فلسطین

درس

ابیات و عبارات

تذکره

- الهی، ز عصیان مرا پاک کن
به عصیان سراپای آلوده‌ام
- طلب بخشش
- دلم را بده عزم بر بندگی
نه چون بی‌غمانم هوسناک کن
- طلب توفیق عبادت و دوری از گناه و هوس
- به خاک درت گر نیارم سجود
مکافات آن بر سرم خاک کن
- به جا آوردن وظایف بندگی
- نشاطی بده در عبادت مرا
دل لشکر دیو، غمناک کن
- نشاط در عبادت باعث می‌شود شیطان از انسان دور شود.
- به حشرم بده نامه در دست راست
ز هولم در آن روز بی‌پاک کن
- طلب عنایت و یاری خداوند برای رستگاری در روز قیامت

کنایه

بی‌مغز و پوست بودن: بی‌خرد بودن	۱۸
دون‌همت: پست و خوار	۱۹
کمر بستن: آماده شدن برای انجام کاری	۲۰
درس ۲: «قاضی بُست»	
تیره شدن سور: از بین رفتن و خراب شدن شادی	۲۱
از آن جهان آمده: نجات یافته	۲۲
حساب کردن: رسیدگی کردن	۲۳
رخت به جایی کشیدن: کوچ کردن	۲۴
پای بازکشیدن: ترک کردن	۲۵
از قلم کسی رقم کشیدن: تقلید کردن	۲۶
بر قدم کسی قدم کشیدن: تقلید کردن	۲۷
خامی: ناپختگی و بی‌تجربگی	۲۸
درس ۳: «در امواج سند»	
فروغ خرگه خوارزمشاهی پنهان می‌گشت: انقراض حکومت خوارزمشاهیان	۲۹
غروب آفتاب خویشتن دیدن: مرگ و نابودی	۳۰
مژگان به خون دیده تر شدن: گریه زیاد و اندوه فراوان	۳۱
به دنبال سر کسی گشتن: قصد کشتن کسی را داشتن	۳۲
عافیت‌سوز: کشنده	۳۳

ستایش: «لطف خدا» و درس ۱: «نیکی»	
چاشنی‌بخش: دلپذیرکننده	۱
بلند: سرافراز و پیروز	۲
یک‌مو: مقدار کم	۳
یک‌مو کم و زیاد نبودن: دقیق و منظم بودن	۴
پا یک سو نهادن: کناره‌گیری کردن، همراهی نکردن	۵
روشنایی بخشیدن: آگاهی بخشیدن و هدایت کردن	۶
فروماندن: شگفت‌زده شدن، متحیر شدن	۷
به‌سر بردن: گذراندن، سپری کردن	۸
شوریده‌رنگ: حیران و آشفته	۹
نگون‌بخت: بدبخت	۱۰
به کسی تکیه کردن: اعتماد کردن	۱۱
زنخاندن به جیب فرو بردن: به فکر فرو رفتن، گوشه‌نشینی	۱۲
به بازوی خود خوردن: به خود متکی بودن	۱۳
سعی در ترازوی خویش بودن: برگشتن نتیجه تلاش به خود شخص	۱۴
دست کسی را گرفتن: کمک کردن	۱۵
خود را افکندن: خود را ناتوان نشان دادن	۱۶
مغز در سر داشتن: دانا و اندیشمند بودن	۱۷

روان‌خوانی (تا غزل بعد ...)

۱	به کار بستم: انجام دادم؛ استفاده کردم.
۲	یک ارادهٔ جمعی پشت کار بود: افراد بسیاری همین قصد و خواست را داشتند.
۳	به ذهنم فشار می‌آورد: سعی می‌کردم به یاد بیاورم.
۴	قربان صدقه رفتن: محبت کردن
۵	کارنامهٔ سال پنجم دبستان را در دست گرفته بودند: فارغ‌التحصیل شده بودند.
۶	دست و پا شکسته: ناقص، نادرست
۷	شور و هیجان از عمق دلشان بجوشد: بسیار خوشحال شوند.
۸	تخلیهٔ روانی شوند: ناراحتی‌ها و غم‌هایشان برطرف شود.
۹	جیک هیچ‌کس در نمی‌آمد: همه سکوت می‌کردند.
۱۰	در غم فرو می‌برد: اندوهگین می‌کرد.
۱۱	خیمه‌شب‌بازی راه می‌انداختند: نمایش عروسکی اجرا می‌کردند.
۱۲	جان تازه می‌گرفتند: شاد و سرزنده می‌شدند.
۱۳	ذهن بچه‌ها درگیر می‌شد: روی آن تمرکز می‌کردند.
۱۴	آیهٔ یأس می‌خواندند: ناامیدانه سخن می‌گفتند.
۱۵	نور امید را در دل بچه‌ها کم‌رنگ می‌کرد: روحیه و امیدواری‌اُسرا را از بین می‌برد.
۱۶	از همه بریده بودند: ناامیدانه زندگی می‌کردند، قطع ارتباط خودخواسته
۱۷	فقط منتظر طلوع و غروب خورشید بودند تا روز را به شب برسانند: بی‌انگیزگی کامل، بی‌هدف بودن، دچار روزمرگی شدن
۱۸	عقربه‌ها تنبل شده بودند: شاید هم مُرده: کند گذشتن زمان
۱۹	تا روحمان در زندان بعثی‌ها نپوسد: ناامید و افسرده نشویم
۲۰	کم آوردن: بی‌انگیزه شدن
۲۱	زیرپا گذاشتن: اهمیت ندادن

روان‌خوانی (میثاق دوستی)

۲۲	عید طبیعت: نوروز، فصل بهار
۲۳	زبان بی‌زبانی: با نگاه و رفتار، منظور را رساندن
۲۴	عندلیب انجمن ما محسوب می‌شد: سخنگو و زینت‌بخش گروه ما بود.
۲۵	دست و پای خویش را گم کرد: هول شد: آرامش خود را از دست داد.
۲۶	خود را جمع کرد: بر رفتارش مسلط شد.
۲۷	کامش را شیرین کنیم: او را شاد کنیم.
۲۸	از هر در سخنی در میان آوردیم: از موضوعات متفاوتی صحبت کردیم.
۲۹	قیافه‌ای گشاده داشتن: شاد و خندان بودن

مفاهیم گنج حکمت‌ها

درس

ابیات و عبارات

۱

هَمّت

موری را دیدند که به زورمندی کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته. به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟» مور چون این بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را به نیروی هَمّت و بازوی حمیت کشند، نه به قوّت تن.»

مفهوم: برتری هَمّت و اراده بر نیروی جسمی و قدرت بدنی | بلندهمتی

نکته: «مور» در این متن، نماد افراد باغیرت و بااراده است.

۳

چو سرو باش

حکیمی را پرسیدند: «چندین درخت نامور که خدای عزّ و جلّ آفریده است و برومند، هیچ‌یک را آزاد نخوانده‌اند؛ مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. در این چه حکمت است؟» گفت: «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.»

مفهوم: سرو نماد آزادی است / عدم دلبستگی افراد آزاده به چیزهای گذرا و ناپایدار

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد

مفهوم: عدم دلبستگی به امور ناپایدار | ناپایداری قدرت

گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

مفهوم: توصیه به بخشندگی و آزادی

نکته: توصیه اولیه شاعر بخشندگی است؛ یعنی بخشندگی را در صورت وجود شرایط بر آزادی ترجیح می‌دهد.

۶

مردان واقعی

یکی از کوه لُکام به زیارت «سری سَقَطی» آمد. سلام کرد و گفت: «فَلاَن پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.» سری گفت: «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

مفهوم: سرزنش گوشه‌نشینی برای عبادت

نکته: نویسنده، میان مردم بودن و به یاد خدا بودن را بهترین عمل می‌داند.

۸

چنان باش ...

خواجه عبدالکریم، [که] خادم خاصّ شیخ ما، ابوسعید - قدس الله روحه العزیز - بود، گفت: «روزی درویشی مرا بنشانده بود تا از حکایت‌های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.»

کسی پیامد که «شیخ، تو را می‌خواند.» برفتم. چون پیش شیخ رسیدم، شیخ پرسید که چه کار می‌کردی؟ گفتم: «درویشی حکایتی چند خواست، از آن شیخ، می‌نوشتم.»

شیخ گفت: «یا عبدالکریم، حکایت‌نویس مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند!»

مفهوم: توصیه به الگو بودن

۱۰

به یاد ۲۲ بهمن

آسمان با هفت دست گرم و پنهانی دف می‌زد و رنگین‌کمانی از شوق و شور، کلاف ابرهای تیره را از هم باز می‌کرد. خورشید در جشنی بی‌غروب، بر بام روشن جهان ایستاده بود و تولّد جمهوری گل محمّدی را کِل می‌کشید.

مفهوم: نویسنده به دلیل پیروزی انقلاب، همه‌جا را غرق در شادی می‌بیند.

بیست و دوم بهمن در هیئت روزی شکوهمند، آرام‌آرام از یال کوه‌های بلند و برف‌گیر فرود آمد و در محوّطه آفتابی انقلاب، ابدی شد، و ما در سایه خورشیدی‌ترین مرد قرن به بار عام رحمت الهی راه یافتیم و صبح روشن آزادی را به تماشا ایستادیم. اندک‌اندک جلوه‌هایی از تقدیر درخشان این نهضت به ملت ما لیخن زد.

مفهوم: منظور از «خورشیدی‌ترین مرد قرن»، «امام خمینی» است.

حلول این صبح روشن را بزرگ می‌داریم و یاد ایثارگران سهیم در این حماسه سترگ را - تا همیشه - در خاطره خویش به تابناکی پاس خواهیم داشت.

نکته: منظور از «صبح روشن» و «حماسه سترگ»، «انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷» است.

املا

۲۹	و (اضطراب / اضطراب) و تشویشی بزرگ به پای شده.
۳۰	و (آیان / آعیان) و وزیر به خدمت استقبال رفتند.
۳۱	خروش و دعا بود از لشکری و (رأیت / رعیت).
۳۲	نامه‌ها فرمود به (قزنین / غزنین) و جمله مملکت بر این حادثه بزرگ و (سعب / صعب) که افتاد.
۳۳	و (مسال / مثال) داد تا هزار هزار درم به غزنین و (مُستهقان / مُستحقان) دهند.
۳۴	و نبشته آمد و به (طوقیع / توطیع)، (معکد / مؤکد) گشت.
۳۵	تب سوزان و (صرصامی / سرسامی) افتاد.
۳۶	و (مهجوب / محجوب) گشت از مردمان، مگر از (اتبّا / اطبا) و تنی چند از خدمتکاران.
۳۷	دل‌ها سخت (مُتهیر / مُتَحیر) شد تا حال چون شود.
۳۸	تا این (آرضه / عارضه) افتاده بود ...
۳۹	چیزی که در او (کراحتی / کراهیتی) نبود، می‌فرستاد فرود سرای.
۴۰	بسیار شاخه‌ها نهاده و (طاس / تاس)‌های بزرگ پُر یخ پُر (ذبر / زیر) آن.
۴۱	پیراهن (طوزی / توزی)، مِخَنَه در گردن، (عغدی / عِقدی) همه کافور.
۴۲	عَلَّت و تب، تمامی (ذایل / زایل) شد.
۴۳	آن نامه را بخواند و دوات (خاست / خواست) و (توغیع / توطیع) کرد.
۴۴	تا نزدیک نماز پیشین، از این مُهَمّات، (فارغ / فارغ) شده بود.
۴۵	(خیلطاشان / خیل‌تاشان) و سوار را گسیل کرده.
۴۶	(رغعتی / رفعتی) نیش به امیر.
۴۷	در هر کیسه، هزار (مسقال / مثقال) زر پاره است.
۴۸	زره‌است که پدر ما از (غذو / غزو) هندوستان آورده.
۴۹	تا صدقه‌ای که خواهیم کرد حلال (بی‌شُبّهت / بی‌شُبّهت) باشد.
۵۰	سخت تنگدست‌اند و اندک (مایع / مایه)، (زَیَعَتی / ضَبَعَتی) دارند.
۵۱	تا (ظیعتکی / ضَبَعَتکی) (هلال / حلال) خزند.
۵۲	حقّ این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لَختی (گذارده / گزارده) باشیم.
۵۳	بسیار دعا کرد و گفت: این (سِلّت / صِلّت) فخر است.
۵۴	به آنچه دارم قانعم، (وذر / وزر) و وبال این، چه به کار آید؟
۵۵	(زنده‌گانی / زندگانی) خواجه (امید / امید) دراز باد.
۵۶	آنچه دارم از اندک‌مایه (حُتام / حُطام) دنیا، حلال است.
۵۷	مردی (مهجوب / محجوب) بود و دیده و دلش از گناه به دور.
۵۸	(میافکن / میفکن) به روز جزا کار خود را

ستایش: «لطف خدا» و درس ۱: «نیکی»	
۱	(هلاوت‌سنج / حلاوت‌سنج) معنی در بیان‌ها
۲	بماند تا (عبد / ابد) در تیره‌رایی
۳	به ترتیبی نهاده (وضع / وضع) عالم
۴	اگر لطفش قرین (هال / حال) گردد
۵	یکی روبهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و (سُنع / صُنع) خدای
۶	که چون (زنده‌گانی / زندگانی) به سر می‌برد؟
۷	که شیری برآمد، (شَقالی / شغالی) به چنگ
۸	(ذنخدان / زنخدان) فرو برد چندی به جیب
۹	نه بیگانه (طیمار / تیمار) خوردش نه دوست
۱۰	ز دیوار (مهرایش / محرابیش) آمد به گوش
۱۱	برو شیر درنده باش، ای (دَقْل / دَغْل)
۱۲	(میانداز / مینداز) خود را چو روباه شَل
۱۳	بخور تا توانی به بازوی (خیش / خویش)
۱۴	که (سأیت / سعیت) بُود در ترازوی خویش
۱۵	نه خود را (بیافکن / بیفکن) که دستم بگیر
۱۶	معیارِ دوستانِ (دَقْل / دَغْل) روزِ حاجت است / (غرضی / قرضی) به رسم تجربه از دوستان طلب
۱۷	گریه شام و سحر، شُکر که (ظایع / ضایع) نگشت
۱۸	مردان، بار را به نیروی (حَمّت / هَمّت) و بازوی (همیت / حمیت) کشند، نه به قُوّت تن.
درس ۲: «قاضی بُست»	
۱۹	به کرانِ رودِ (حیرمند / هیرمند) رفت.
۲۰	با بازان و (یوزان / یوزان) و (هَشَم / حَشَم) و ندیمان و (متربان / مطربان).
۲۱	خیمه‌ها و (شرا / شراع)‌ها زده بودند.
۲۲	از (غزای / غذای / قضای) آمده، پس از نماز، امیر کشتی‌ها (بخاست / بخواست).
۲۳	آن‌گاه آگاه شدند که غرقه (خاست / خواست) شد.
۲۴	بانگ و (حزاحز / هزاهز) و (قربو / غریو) (خواست / خاست).
۲۵	و پایِ راست وی (عفاگر / افکار) شد.
۲۶	هیچ نمانده بود از (قرقه / غرقه) شدن.
۲۷	(صوری / سوری) و شادی‌ای به آن بسیاری، تیره شد.
۲۸	جامه بگردانید و تر و (تباج / تباه) شده بود.

ردیف	استعاره	درس	ردیف	استعاره	درس	ردیف	استعاره	درس
۳۴	بازوی دین	۱۴	۳۷	رگ غیرت	۱۶	۴۰	غرق شادی	۱۸
۳۵	در صلح	۱۴	۳۸	غرق لذت	۱۶	۴۱	پرواز روح و اندیشه	۱۸
۳۶	رخ کفر	۱۴	۳۹	غرق خنده	۱۶			

توجه: موارد ۳۲ و ۳۳ محلّ اختلاف هستند و برخی از استادان آن‌ها را اضافهٔ تشبیهی در نظر می‌گیرند.

آیات و عبارات عربی

آیه	ترجمه	مفهوم	درس
لِّلّٰهِ دَرُكُمَا	خدا شما را خیر بسیار دهد.	طلب خیر و نیکی [برای نیکان]	فارسی (۲) درس دوم
إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (سوره بقره، آیه ۳۰)	من چیزی از [اسرار خلقت بشر] را می‌دانم که شما [فرشتگان] نمی‌دانید.	غیر از خدا، کسی حکمت آفرینش انسان را نمی‌داند. ارزش وجودی انسان	فارسی (۲) درس هفتم
إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ (سوره ص، آیه ۷۱)	من بشری از گِل خواهم آفرید.	انسان مخلوق خداوند است و ارزش ویژه‌ای دارد.	فارسی (۲) درس هفتم
وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا (سوره بقره، آیه ۳۱)	و [خداوند] همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت.	ارزشمندی انسان برتری انسان و مقام او بر فرشتگان	فارسی (۲) درس هفتم
إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. (سوره احزاب، آیه ۷۲)	ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. به درستی که او بسیار ستمگر و نادان بود.	انسان، تنها موجودی است که حامل بار امانت الهی (عشق و معرفت) شد. ارزشمندی انسان	فارسی (۲) درس هفتم
إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا (سوره طه، آیات ۴۳ و ۴۴)	به سوی فرعون بروید که همانا او سرکشی کرده است؛ پس با او به آرامی و نرمی سخن بگویید.	نرم‌خویی و مهربانی در برابر دشمنان و بدرفتاران توصیه به مدارا و صلح و آشتی‌جویی	فارسی (۲) درس هشتم
الْعَبْدُ يُذَبِّرُ وَاللّٰهُ يَقْدِرُ	بنده تدبیر می‌کند و خدا تقدیر.	چیرگی تقدیر الهی بر تدبیر آدمیان	فارسی (۲) درس نهم

شعرخوانی (زاغ و کبک)

۱	زاغی از آنجا که فراغی گزید	رخت خود از باغ به راغی کشید
۲	دید یکی عرصه به دامن کوه	عرضه‌ده مخزن پنهان کوه
۳	نادره کبکی به جمال تمام	شاهد آن روضه فیروزه‌فام
۴	هم حرکاتش متناسب به هم	هم خطواتش متقارب به هم
۵	زاغ چو دید آن ره و رفتار را	و آن روش و جنبش هموار را
۶	بازکشید از روش خویش پای	در پی او کرد به تقلید جای
۷	بر قدم او قدمی می‌کشید	وز قلم او رقمی می‌کشید
۸	در پیاپی‌اش القصه در آن مرغزار	رفت بر این قاعده روزی سه چار
۹	عاقبت از خامی خود سوخته	رهروی کبک نیاموخته
۱۰	کرد فرامش ره و رفتار خویش	ماند غرامت‌زده از کار خویش

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۱۶۸

درس ۱

۱

آزمون

امتحان نهایی: فارسی ۲	رشته: همه رشته‌های نظری	تألیفی	مدت امتحان: ۴۰ دقیقه
ردیف	سؤالات	نمره	
قلمرو زبانی (۳/۵ نمره)			
۱	مقابل واژه مشخص شده در بیت (الف) واژه در عبارت (ب) است. (الف) به نام چاشنی بخش زبان‌ها حلاوت سنج معنی در بیان‌ها (ب) آن که با بی‌میلی، خمیری در تنور نهد، نان تلخی واستاند.	۰/۲۵	
۲	مترادف فعل «فروماند» در بیت «یکی روبهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و صنع خدای» کدام کلمه در متن زیر است؟ «... مگر از ابطا و تنی چند از خدمتکاران مرد و زن و دل‌ها سخت متحیر شد تا حال چون شود.»	۰/۲۵	
۳	املاي درست واژه‌ها را مشخص کنید. «برو شیر درنده باش، ای (دقل - دغل) (مینداز - میانداز) خود را چو روباه شل»	۰/۵	
۴	کدام گزینه دارای واژه هم‌آوا است؟ (الف) قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب (ب) ز دیوار محرابش آمد به گوش	۰/۲۵	
۵	در کدام گزینه نادرستی املايي وجود دارد؟ (الف) گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت (ب) ذنخدان فرو برد چندی به جیب	۰/۲۵	
۶	با توجه به بیت زیر پاسخ دهید. «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست که دون همتانند بی‌مغز و پوست» (الف) واژه‌های «دون همتان، مغز و» هم‌نقش هستند. (ب) در مصراع فعل اسنادی وجود دارد. (ج) بین واژه‌های «سر» و «مغز» رابطه معنایی وجود دارد.	۰/۷۵	
۷	نوع «را» در هر مصراع چیست؟ (الف) خرد را گر نبخشد روشنایی (ب) یقین، مرد را دیده، بیننده کرد	۰/۵	
۸	با توجه به بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش» پاسخ دهید. (الف) جمله «پایه» را مشخص کنید. (ب) واژه‌های «خویش» و هم‌نقش هستند.	۰/۵	
۹	با توجه به بیت «منزل حافظ کنون بارگه پادشاست / دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد» کدام گزینه نادرست است؟ (الف) در مصراع اول «قید» و «فعل اسنادی» مشاهده می‌شود. (ب) در جمله سوم، فعل در معنای «رفت» به کار رفته است. (ج) نقش مضاف‌ها به ترتیب «مسند» و «نهاد» است.	۰/۲۵	
قلمرو ادبی (۲/۵ نمره)			
۱۰	آرایه مرتبط با هر بیت را بیابید. (یک آرایه اضافی است.)	۱	
		الف	ب
		(الف) کمال عقل آن باشد در این راه (ب) بلند آن سر، که او خواهد بلندش (ج) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش (د) کزین پس به کنجی نشینم چو مور	(۱) تضاد (۲) تشبیه (۳) حس‌آمیزی (۴) تناقض (۵) جناس
۱۱	آرایه مناسب را انتخاب کنید. (الف) در نایسته احسان گشاده‌ست (ب) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر	۰/۵	به هرکس آنچه می‌بایست، داده‌ست (تشبیه - استعاره) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟ (جناس - تضمین)

ردیف	سؤالات	نمره
۱۲	آرایه مشترک قسمت‌های مشخص شده، است. «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست»	۰/۲۵
۱۳	در جمله سوم بیت زیر یک کنایه بیابید و مفهوم آن را بنویسید. «بگیر ای جوان، دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر»	۰/۲۵
۱۴	کتاب «فرهاد و شیرین» سروده (وحشی بافقی - نظامی) است.	۰/۲۵
۱۵	کدام گزینه نام اثری از «جامی» است؟ (الف) فیه ما فیه (ب) بهارستان	۰/۲۵
قلمرو فکری (۴ نمره)		
۱۶	در بیت «اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ارها اقبال گردد» در چه صورت «بدبختی» به «خوشبختی» تبدیل می‌گردد؟	۰/۲۵
۱۷	منظور از «روشنایی» در بیت زیر چیست؟ «خرد را گر نبخشد روشنایی بماند تا ابد در تیره‌رایی»	۰/۲۵
۱۸	با توجه به دو بیت زیر پاسخ دهید. (۱) رزق هرچند بی‌گمان برسد شرط عقل است جستن از درها (۲) کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور (الف) در بیت اول لازمه خردمندی چیست؟ (ب) هر دو بیت به یک مفهوم مشترک اشاره می‌کنند؛ آن را بیان کنید. (ج) کدام بیت، سعی و تلاش را برای کسب روزی بی‌فایده می‌داند؟	۰/۷۵
۱۹	منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ «کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای»	۰/۲۵
۲۰	کدام گزینه مفهوم بیت «چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش / ز دیوار محرابش آمد به گوش» را به درستی بیان می‌کند؟ (الف) ضعف، ناتوانی و کم‌عقلی نتیجه بی‌صبری است. (ب) بی‌صبری و عدم هوشیاری به دلیل ضعف و ناتوانی است.	۰/۲۵
۲۱	در عبارت «مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند، نه به قوت تن.» ویژگی «افراد بزرگ» را در داشتن اراده و می‌داند.	۰/۲۵
۲۲	به نثر روان بازگردانید. (الف) که سعیت بود در ترازوی خویش (ب) که چون زندگانی به سر می‌برد؟ (ج) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست	۲
۱۰	موفق باشید.	

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۱۶۸

درس ۲

۲

آزمون

امتحان نهایی: فارسی ۲		رشته: همه رشته‌های نظری	تألیفی	مدت امتحان: ۴۰ دقیقه
ردیف	سؤالات			
نمره				
قلمرو زبانی (۴ نمره)				
۱	واژه‌ای در عبارت (الف) با واژه‌ای در عبارت (ب) مترادف است؛ آن دو را بیابید. (الف) برای شروع، به آمار دقیق بی‌سوادان نیاز داشتیم. (ب) و نمی‌گویم که مرا سخت دربايست نیست.			
۲	واژه «صعب» با کدام واژه در بیت زیر، <u>مقابل</u> است؟ «چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار از آن دریای بی‌پایاب، آسان»			
۳	کدام یک، از معانی واژه مشخص شده در عبارت زیر <u>نیست</u> ؟ روز دوشنبه امیرمسعود به کران رود هیرمند رفت. (ساحل - کنار - وسط - جانب)			

ردیف	سؤالات	نمره
۱۵	با توجه به عبارت «اگر زنجیرهایی که بر روی افکار شماست، بشکنند، زنجیرهای جسم شما نیز از هم می‌گسلد.» پاسخ دهید. (الف) منظور از زنجیر است. (ب) نویسنده عامل ناتوانی جسمی را چه می‌داند؟	۵/۰
۱۶	به نثر روان بازگردانید. (الف) به حشرم بده نامه در دست راست (۵/۰) (ب) دم فرو دادن و برآمدنش؛ آن یکی مُمد حیات است، این یکی مُفَرَح ذات. (۷۵/۰) (ج) او اختران را در آسمان نهاده تا به بَر و بحر نشانمان باشند. (۷۵/۰) (د) تو در کلبه و خیمه خود باز بمان. (۲۵/۰)	۲۵/۲
	موفق باشید.	۱۰

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۳۰

آزمون

۱۸۱

درس‌های ۱۷ و ۱۸ (فصل هشتم)

امتحان نهایی: فارسی ۲		رشته: همه رشته‌های نظری		تألیفی		مدت امتحان: ۴۰ دقیقه		
ردیف	سؤالات						نمره	
قلمرو زبانی (۳/۵ نمره)								
۱	معنای واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید. (الف) عده‌ای از روی علاقه و جمعی برای ریشخند می‌آمدند. (ب) آنگاه برزیکری گفت با من از کار سخن بگو.							۵/۰
۲	املاي دو واژه نادرست است؛ درست آن‌ها را بنویسید. (الف) آن یکی مُمد حیات است و این یکی مُفَرَح ذات. (ب) دلم را بده عظم بر بندگی							۵/۰ (خرداد ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴)
۳	املاي دو واژه نادرست است؛ درست آن‌ها را بنویسید. «هلهله پرندهگان - محض و صرف - هماقت و نادانی - رغبت و میل - شور و شاف»							۵/۰
۴	در قسمت اوّل شعر زیر نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید. «او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَر و بحر نشانمان باشند.»							۲۵/۰ (خرداد ۱۴۰۴)
۵	با توجه به شعر زیر، در کدام گزینه زمان افعال به‌ترتیب درست آمده است؟ «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم / نمی‌بینی.» (الف) مضارع التزامی - ماضی بعید - مضارع اخباری (ب) مضارع التزامی - ماضی نقلی - مضارع اخباری (ج) مضارع اخباری - ماضی نقلی - مضارع اخباری (د) ماضی ساده - ماضی نقلی - ماضی استمراری							۲۵/۰ (خرداد ۱۴۰۴)
۶	در عبارت زیر نوع رابطه معنایی بین کلمات را بنویسید. «بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم / تو در کلبه و خیمه خود باز بمان.»							۲۵/۰ (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۷	در جمله پایانی شعر زیر، زمان دقیق فعل را مشخص کنید. «هنگامی که / در فروتنی بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.»							۲۵/۰ (خارج خرداد ۱۴۰۴)
۸	نقش دستوری واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید. (الف) چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد / از یاد مبر. (ب) بگذار که سرخوش و سرمست به دوردست‌ها روم.							۵/۰
۹	در عبارت «اگر فکر و حواسم این جهانی است، بهره‌ای والا تر از بهر من نیست.»: (الف) هم‌نقش واژه «فکر» در جمله دوم کدام واژه است؟ (ب) کدام فعل «اسنادی» است؟							۵/۰



ردیف	سؤالات	نمره				
قلمرو ادبی (۵/۲ نمره)						
۱۰	با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید. «از شعله به خاطر روشنایی‌اش / سپاسگزاری کن، / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، / از یاد مبر.» الف) «شعله» نماد چیست؟ ب) یک کنایه پیدا کنید. ج) واژه «چراغدان» آرایه دارد.	۰/۷۵ (خرداد ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴)				
۱۱	با توجه به شعر زیر به سؤالات پاسخ دهید. «گریه کنی اگر / که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی.» الف) «آفتاب» نماد چیست؟ ب) آرایه موجود در شعر بالا (مراعات نظیر - تضمین) است.	۰/۵ (خارج خرداد ۱۴۰۴)				
۱۲	«اوست که عادل مطلق است / و خوان عدل خود را بر همگان گسترده»: الف) «مشتبه» را بیابید. ب) «خوان گسترده» کنایه از است.	۰/۵				
۱۳	آرایه شاخص عبارت زیر چیست؟ «ممکن / از ناممکن می‌پرسد: / خانه‌ات کجاست؟»	۰/۲۵				
۱۴	«.....» شیفته و دلبسته شعر و اندیشه حافظ بود. الف) رابیندرانات تاگور ب) یوهان ولفگانگ گوته	۰/۲۵				
۱۵	کتاب «پیامبر و دیوانه» اثر است.	۰/۲۵				
قلمرو فکری (۴ نمره)						
۱۶	نویسنده در عبارت زیر به چه چیزی اعتقاد دارد؟ «در پرواز هدفی والاتر از پریدن به این سو و آن سو وجود دارد.»	۰/۵ (خرداد ۱۴۰۴)				
۱۷	در جدول زیر مفاهیم مرتبط با ستون اول را از ستون دوم انتخاب کنید. (در ستون دوم، یک مفهوم اضافه است.)	۰/۷۵				
<table><tr><th>اول</th><th>دوم</th></tr><tr><td>الف) اگر زنجیرهایی که بر روی افکار شماسست بشکنند، زنجیرهای جسم شما نیز از هم می‌گسلد. ب) هزاران سال ما برای پیدا کردن کله ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن، آزاد بودن. ج) به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی‌باک کن</td><td>۱) طلب رستگاری در روز قیامت ۲) جنگ با اندیشه‌های پوسیده ۳) طلب توفیق در عبادت ۴) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر</td></tr></table>		اول	دوم	الف) اگر زنجیرهایی که بر روی افکار شماسست بشکنند، زنجیرهای جسم شما نیز از هم می‌گسلد. ب) هزاران سال ما برای پیدا کردن کله ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن، آزاد بودن. ج) به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی‌باک کن	۱) طلب رستگاری در روز قیامت ۲) جنگ با اندیشه‌های پوسیده ۳) طلب توفیق در عبادت ۴) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر	
اول	دوم					
الف) اگر زنجیرهایی که بر روی افکار شماسست بشکنند، زنجیرهای جسم شما نیز از هم می‌گسلد. ب) هزاران سال ما برای پیدا کردن کله ماهی‌ها و نان مانده در میان قایق‌ها و صخره‌ها تلاش کرده‌ایم و حالا دلیل دیگری برای زندگی داریم: آموختن، یافتن، آزاد بودن. ج) به حشرم بده نامه در دست راست ز هولم در آن روز بی‌باک کن	۱) طلب رستگاری در روز قیامت ۲) جنگ با اندیشه‌های پوسیده ۳) طلب توفیق در عبادت ۴) چه باشی چو روبه به وامانده، سیر					
۱۸	عبارت «و تو شکر خدا کن به هنگام رنج / و شکر او کن به وقت رستن از رنج» بیانگر چه دیدگاهی است؟	۰/۲۵ (خرداد ۱۴۰۳)				
۱۹	برای عبارت زیر یک مفهوم ارزشمند بنویسید. «هنگامی که در فروتنی، بزرگ باشیم، بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.»	۰/۵ (خرداد ۱۴۰۳)				
۲۰	به نثر روان بازگردانید. الف) به خاک درت گر نیارم سجود مکافات آن بر سرم خاک کن (۱) ب) سرزمین‌های شمال و جنوب آسوده در دستان خداست. (۵/۷) ج) بگذار بر پشت زین خود معتبر بمانم. (۵/۲)	۲				
۱۰	موفق باشید.					

ردیف	سؤالات	نمره
۳۳	در بیت زیر انگیزه فریدون از قیام چیست؟ (۲ مورد) «همی رفت منزل به منزل چو باد سری پر ز کینه، دلی پر ز داد»	۵/۰
۳۴	به نثر روان بازگردانید. (الف) سراج ذهنم آماس می کرد. از فرط هیجان «لگه» می دویدم. (۱) (ب) طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی داد. (۵/۰) (ج) ابلیس پرتلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت. (۷۵/۰) (د) به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگ جو (۵/۰) (ه) شاگردان به قهقهه افتادند. صدای مهیب خنده آنان کلاس و مدرسه را تکان داد. دست و پاییم را گم کردم. (۷۵/۰) (و) جانان من برخیز بر جولان برانیم زان جا به جولان تا خط لبنان برانیم (۷۵/۰)	۴
۲۰	موفق باشید.	

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۳۸

آزمون

۱۸۷ تا ۱۸۶

جامع (۴) - شبیه ساز نهایی

امتحان نهایی: فارسی ۲		رشته: همه رشته‌های نظری		تألیفی		مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	
ردیف	سؤالات						نمره
قلمرو زبانی (۷ نمره)							
۱	با توجه به ابیات و عبارت زیر، پاسخ دهید. (۱) خنیده به گیتی به مهر و وفا ز اهریمنی دور و دور از جفا (۲) خروشید کای پایمردان دیو بریده دل از ترس گیهان خدیو (۳) جبرئیل، بازگشت. گفت: «خداوندا، تو داناتری، خاک تن در نمی‌دهد.» الف) واژه‌های و در بیت (۱) و (۲) مترادف یکدیگرند. ب) واژه‌های و در بیت (۲) و عبارت (۳) دارای معنای یکسانی هستند.						۵/۰
۲	در کدام بیت معادل «اسب» دیده نمی‌شود؟ الف) به زیر باره می‌نالید از درد ب) شبی را تا شبی با لشکری خرد ج) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند سوار زخم‌دار نیم‌مرده ز تن‌ها سر ز سرها خود افکند چو کشتی بادپا در رود افکند						۲۵/۰
۳	کدام واژه معادل معنایی «نژند» در بیت زیر نیست؟ «بلند آن سر، که او خواهد بلندش الف) خوار ب) زبون نژند آن دل، که او خواهد نژندش ج) گمراه						۲۵/۰
۴	املاي سه واژه نادرست است؛ درست آن‌ها را بنویسید. «پسرک، آوازخوانان از پهلوی ما گذشت، نگاهی به ما کرده، لبخندی زد؛ پنداشتی با زبان بی‌زبانی می‌خواهد به ما، که مانند خودش از رسیدن بهار سرمستیم، عرض تبریک و تحنیت کند. رفیقی خوش‌خلق و بزمه‌گو که عندلیب انجمن اُنث ما محسوب می‌شد، از خنده پسرک، شادمان، او را صدا زد و به او گفت: «پسر جان، اسمت چیست؟»						۷۵/۰
۵	واژه‌های دارای هم‌آوا را در ابیات زیر بنویسید. الف) در غزا بر پهلوانی دست یافت ب) سپر بر سر آورد شیر اله زود شمشیری برآورد و شتافت علم کرد شمشیر آن اژدها						۵/۰

ردیف	سؤالات	نمره
۶	شکل درستِ نادرستی‌های املایی را بنویسید. (الف) کشتی‌گیری بود که در زورآزمایی شهره بود؛ بدر در میدان او حلالی بودی و رستم به دستان او زالی. (ب) دوست نداشتم از بچه‌ها فاصله بگیرند یا احساس ترد شدن کنند. شاید هم در بعضی موارد حق داشتند منزوی شوند. (ج) به کرانِ رود هیرمند رفت با بازان و یوزان و حَشَم و ندیمان و مُطربان؛ و تا چاشتگاه به صید مشغول بودند.	۰/۷۵
۷	با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «سعدی که انعطاف جادوگرانه‌ای دارد، آن‌قدر خود را خم می‌کرد که به حدّ فهم ناچیز کودکانه من برسد. سعدی، این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، معلّم اوّل که هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار، چشم عقاب و لطافت کبوتر، که هیچ حفره‌ای از حفره‌های زندگی ایرانی نیست که از جانب او شناخته نباشد.» (الف) در اوّلین گروه متّمی یک صفت نسبی بیابید. (ب) نوع دومین نقش تبعی چیست؟ (ج) نوع حذف فعل را بیان کنید. (د) کدام وابستهٔ پیشین در متن وجود ندارد؟ (صفت اشاره - صفت مبهم - صفت شمارشی - شاخص - صفت عالی)	۱
۸	رابطهٔ معنایی بین واژگان کدام گزینه متفاوت است؟ (الف) گریهٔ شام و سَحَر، شُکر که ضایع نگشت قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد (ب) اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ها اقبال گردد (ج) به ساختمانی بلند، وسیع و زیبا که اغلب در میان باغ قرار گرفته است، کوشک می‌گویند. (د) خاک در کمالِ مذلت و خواری، با حضرتِ عزّت و کبریایی، چندین ناز می‌کند.	۰/۲۵
۹	با توجه به بیت «بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن غم عاشق است» پاسخ دهید. (الف) واژهٔ «این» صفت است یا نهاد؟ (ب) مصراع دوم، جملهٔ پایه است یا پیرو؟ (ج) واژه‌های «ردیف» اسنادی هستند یا غیراسنادی؟	۰/۷۵
۱۰	با توجه به ابیات زیر، پاسخ دهید. «چو برخواند کاوه، همه محضرش سَبُک، سوی پیران آن کشورش خروشید کای پامردان دیو بریده دل از ترس گیهان خدیو همه سوی دوزخ نهادید روی سپردید دل‌ها به گفتار اوی» (الف) کاربرد معنایی «چو» در بیت اوّل چیست؟ (ب) کدام فعل قابلیت مجهول شدن ندارد؟ (ج) مرجع ضمیر «اوی» در بیت سوم چه کسی است؟ (د) در بیت دوم کلمه‌ای بیابید که به مرور از فهرست واژگان فارسی حذف شده است.	۱
۱۱	درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را بررسی کنید. (الف) در عبارت «خاله‌ام با ذوق لطیفی که داشت، مرا نخستین بار از طریق سعدی با شعر شاهکار آشنا نمود»، نقش ضمیر پیوسته، «مضاف‌الیه» و نوع وابستهٔ پیشین، «صفت شمارشی» است. (ب) بیت «گاه سفر آمد برادر ره دراز است / پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است» دارای پنج جمله و یک ترکیب وصفی است. (ج) بیت «به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زَرّین / بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را» دارای صفت نسبی و صفت مطلق است. (د) در بیت «می‌داشت پدر به سوی او گوش / کاین قصّه شنید، گشت خاموش» تمامی جملات به شیوهٔ بلاغی آمده‌اند.	۱
قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۲	نام آرایهٔ موارد مشخص‌شده را بنویسید. (الف) اوست که عادل مطلق است / و خوان عدل خود را بر همگان گسترده. (ب) او اختران را در آسمان نهاده / تا به بَرّ و بحر نشانمان باشند.	۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۱۳	در تشبیه موجود در بیت «چو لشکر گرد بر گردش گرفتند / چو کشتی، بادپا در رود افکند»، «مشبه» کدام واژه است؟	۰/۲۵
۱۴	عبارت مقابل فاقد کدام آرایه است؟ «از آسمان تاج بارد اما بر سر آن کس که سر فرو آرد.» (الف) استعاره (ب) تشبیه (ج) سجع (د) مجاز	۰/۲۵
۱۵	آرایه‌های مشترک دو بیت زیر عبارت‌اند از: کنایه، مراعات نظیر و «فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد، گو بیارد، نیست دشوار به سوی هژبر ژیان کرد رو به پیشش برآمد شه جنگ‌جو»	۰/۲۵
۱۶	به کار بردن دو ویژگی ضدّ هم که هر یک، وجود دیگری را نقض می‌کند، آرایه می‌سازد و در گزینه مشاهده می‌شود. (الف) بر مصطفی بهر رخصت دوید از او خواست دستوری اما ندید (ب) این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی، هم هیبت یک آموزگار را دارد و هم مهر یک پرستار.	۰/۵
۱۷	آرایه مناسب را از داخل کمانک انتخاب کنید. (الف) اتفاقاً شیرین‌زبان و نقّال هم بود. (ب) بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن» (تضمین - تلمیح)	۰/۵
۱۸	در کدام گزینه هر دو آرایه ذکرشده برای بیت درست است؟ (الف) در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن (تشبیه - ایهام تناسب) (ب) چه اندیشید آن‌دم، کس ندانست که مژگانش به خون دیده تر شد (جناس - مجاز)	۰/۲۵
۱۹	واژه «جهان» در کدام گزینه آرایه «مجاز» ندارد؟ (الف) ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت. (ب) کشتی‌ها و جهانگردهایشان را به دورترین نقاط جهان فرستادند. (ج) حاجت‌گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست	۰/۲۵
۲۰	آرایه مشترک دو مصراع بیت «وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم / دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم» چیست؟ (به‌جز کنایه و مراعات نظیر)	۰/۲۵
۲۱	در کدام گزینه، نام یکی از پدیدآورندگان دو اثر، نادرست آمده است؟ (الف) حمله حیدری: باذل مشهدی - تذکرة الاولیا: عطار (ب) منطق الطیر: عطار - روضه خلد: مجد خوافی (ج) پیامبر و دیوانه: جبران خلیل جبران - پرنده‌ای به نام آذرباد: ریچارد باخ (د) هم‌صدا با خلق اسماعیل: قیصر امین‌پور - جوامع الحکایات و لوامع التّوایات: محمّد عوفی	۰/۲۵
۲۲	کدام گزینه نادرست است؟ (الف) خالق اثر «فرهاد و شیرین» وحشی بافقی است. (ب) کتاب «بهارستان» و «تحفة الاحرار» هر دو از آثار جامی هستند. (ج) شعر «نیکي» از بوستان سعدی در حوزه ادبیات غنایی است. (د) «چهارپاره» بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود.	۰/۲۵
۲۳	مولانا به درخواست (صلاح‌الدین زرکوب - حسام‌الدین چلبی) کتاب (غزلیات شمس - مثنوی معنوی) را سرود.	۰/۵
۲۴	کدام گزینه، مصراع دوم بیت زیر است؟ «خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد» (الف) عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟ (ب) عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد	۰/۲۵

پاسخ آزمون (۳۷)

۱ درست (۰/۲۵) [صلح ≠ غزو = جنگ = حرب = غزا]

۲ ماتم ≠ سور (۰/۲۵)

۳ الف واجب گردانیدن، لازم، ضروری (۰/۲۵) ب رفت و آمد (۰/۲۵)

۴ اساتیر ← اساطیر (۰/۲۵) خبیص ← خبیث (۰/۲۵)

۵ گزینه (ج): هیئت (۰/۲۵)

۶ رغه ← رقه (۰/۲۵) همیت ← حمیت (۰/۲۵)

۷ گزینه (ج) (۰/۲۵) [صفیر و سفیر / توجه کنید که مَحْمِل با مُهْمَل و اَبَد با عَبَد هم‌آوا نیستند.]

۸ الف رهیل ← رحیل (۰/۲۵) ب استسغا ← استسقا (۰/۲۵)

۹ گزینه (ب) (۰/۲۵) بدل (۰/۲۵) [آن سپهر نبرد]

۱۰ درست (۰/۲۵) [به سفارش آغا محمد خان / عباس میرزا]

شاخص	شاخص	شاخص
بدل	بدل	گروه متممی

۱۱ الف داده آید (۰/۲۵) داده شود (۰/۲۵) ب من بار را بدهم (۰/۲۵)

۱۲ الف درست (۰/۲۵) [همه] ب درست (۰/۲۵) «و» - «هرچند که»

ج نادرست (۰/۲۵) [رسته بودند و شکسته بودند: ماضی بعید [رسته و شکسته، مسند نیستند.] / پرواز و دست‌بسته: مسند] د درست (۰/۲۵) [بن ماضی + ه]

۱۳ الف مثال (۰/۲۵) [همگی دچار تحوّل معنایی شده‌اند.] ب سوزان (۰/۲۵) [بن مضارع + ان] ج سوزاندنی یا سوختنی (۰/۲۵) د «امیر» در «امیر مسعود» (۰/۲۵)

۱۴ گزینه الف (۰/۲۵) [پند را به من می‌دهی - گوش من] / گزینه ب: متقمّ

بدرم - مادرم - من را
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مفعول

۱۵ گزینه ب (۰/۲۵)

۱۶ الف بیت اول (۰/۲۵) برای امری طبیعی (سیاهی درون گل لاله) علّت ادبی آورده است. (۰/۲۵) ب تشبیه (۰/۲۵) تشخیص (۰/۲۵) [تشبیه: لاله به چراغ - شقایق بر پای ایستاده به جام باده بر شاخ زمرد / تشخیص: جان داشتن لاله و پا داشتن شقایق]

۱۷ جناس ناهمسان (۰/۲۵) [بخت و سخت]

۱۸ الف تلمیح (۰/۲۵) ب مورد اضافه ج تضمین (۰/۲۵) د حس آمیزی (۰/۲۵) [سخنان نمکین] ه ایهام تناسب (۰/۲۵) [دوش: ۱] دیشب (ق) ۲ کف (غ ق) متناسب با دست

۱۹ نادرست (۰/۲۵) [چشم (به نشانه) طمع: اضافه استعاره نیست. / روسیه: مجازاً امپراتوری روسیه]

۲۰ الف خجالت کشیدن یا ترسیدن (۰/۲۵) ب عصبانیت زیاد (۰/۲۵)

۲۱ جمله (۱) (۰/۲۵) جمله (۵) (۰/۲۵) [جلال‌الدین محمد در «بلخ» متولد شده است و «مثنوی معنوی» را به درخواست حسام‌الدین نوشته است.]

۲۲ حمیدی شیرازی (۰/۲۵)

۲۳ فرهاد و شیرین (۰/۲۵)

۲۴ خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد (۰/۲۵)

۲۵ گزینه (ب) (۰/۲۵)

۲۶ ز نیروی شیران بود گوهرم (۰/۲۵)

۲۷ الف خوشحالی (۰/۲۵) ب در هم رفته بودن چهره (۰/۲۵)

۲۸ گزینه (ب) (۰/۲۵) [سفر بر مدار خطر، دف عشق با دست خون و مرهم بودن زخم، همگی دال بر پذیرش سختی‌های راه عشق دارند؛ اما گزینه (ب)، به آگاهی بخشی شهدا اشاره دارد.]

۲۹ گزینه (د) (۰/۲۵)

۳۰ الف سلطان محمود (۰/۲۵) ب صدقه (۰/۲۵) ج تکه‌تکه کردن (۰/۲۵) د حلال بودن (۰/۲۵)

۳۱ الف آفرینش عاشقانه انسان (۰/۲۵) ب عاشق شدن (۰/۲۵)

۳۲ الف تنوع (۰/۲۵) ب پُران بودن (۰/۲۵) ج آشنا شدم (۰/۲۵)

۳۳ انتقام‌جویی (۰/۲۵) عدالت‌جویی (۰/۲۵)

۳۴ الف گنجایش ذهن کوچکم (۰/۲۵) زیاد می‌شد (۰/۲۵) و از هیجان زیاد (۰/۲۵) بالا و پایین می‌پریدم. (۰/۲۵) ب به متلک و حرف‌های نادرست دیگران (۰/۲۵) پاسخ ناراحت‌کننده‌ای نمی‌داد. (۰/۲۵) ج چون به شیطان حيله گر (۰/۲۵) اجازه ورود به دل انسان ندادند (۰/۲۵) از همه موجودات جهان رانده شد. (۰/۲۵) د به سمت شیرخشناک (امام علی (ع)) آمد و امام علی (ع) به سمت او رفت. (۰/۲۵) ه شاگردان به خنده افتادند. (۰/۲۵) صدای ترسناک خنده آنان کلاس و مدرسه را لرزاند. (۰/۲۵) اختیارم را از دست دادم [دست‌پاچه شدم]. (۰/۲۵) و عزیز من قیام کن به سمت سرزمین جولان برویم: (۰/۲۵) از آنجا به تاخت و تاز (۰/۲۵) به مرز لبنان برویم. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳۸)

۱ الف گیهان و گیتی (۰/۲۵) ب خدیو و خداوند (۰/۲۵)

۲ گزینه (ب) (۰/۲۵) [باره و بادپا]

۳ گزینه (ج) (۰/۲۵)

۴ تحنیت ← تهنیت (۰/۲۵) بزله‌گو ← بزله‌گو (۰/۲۵) اُنث ← اُنس (۰/۲۵)

۵ الف غزا (۰/۲۵) [قضا و غذا] ب علم (۰/۲۵) [آلم]

۶ الف حلّالی ← هلالی (۰/۲۵) ب ترد ← طرد (۰/۲۵) ج یوزان ← یوزان (۰/۲۵)

۷ الف کودکانه (۰/۲۵) [به حدّ فهم ناچیز کودکانه: من: گروه متممی] ب بدل (۰/۲۵) [سعدی، این شیخ همیشه شاب، پیرترین و جوان‌ترین شاعر زبان فارسی،

بدل (۱) معطوف

بدل (۲)

معلم اول (ج) لفظی (۰/۲۵) [حذف فعل دارد پس از پرستار و کیوتر] د شاخص بدل (۳)

(۰/۲۵) [صفت اشاره: آن، این / صفت مبهم: هیچ / صفت شمارشی: یک / صفت عالی: پیرترین و جوان‌ترین]

۸ گزینه (ج) (۰/۲۵) [ساختمان و کوشک: تضمّن / شام و سحر - ادبار و اقبال - مدّت و عزلت: تضاد]

۹ الف نهاد (۰/۲۵) ب پیرو (۰/۲۵) ج اسنادی (۰/۲۵)

۱۰ الف حرف ربط وابسته‌ساز (۰/۲۵) ب خروشید (۰/۲۵) [مفعول‌پذیر نیست.] ج ضحاک (دیو) (۰/۲۵) د خدیو (۰/۲۵)

۱۱ الف درست (۰/۲۵) [خاله من / نخستین بار] ب نادرست (۰/۲۵)

مضاف‌الیه صفت شمارشی

[آمد - برادر - است - مکن - بشتاب - است: ۶ جمله / ترکیب وصفی ندارد!؛ همّت، چاره‌ساز است - ره، دراز است] ج درست (۰/۲۵) [نسبی: زَرین / مطلق: خوب - خوش‌لقا] د نادرست (۰/۲۵) [این قصّه شنید: عادی]

۱۲ الف تشبیه یا اضافه تشبیهی (۰/۲۵) ب تضاد یا مجاز (همه جا) (۰/۲۵)

۷ الف) میز = میرزا (۰/۲۵) ب) عینک ساز (۰/۲۵) اسم + بن مضارع (۰/۲۵)

۸ الف) نادرست (۰/۲۵) «و» پس از «بود»: حرف ربط هم‌پایه ساز / پس از «تا» زمان آمده بنابرین حرف اضافه است. [ب) درست (۰/۲۵) دبیر، کافی، مهقات و شوخ، همگی دچار تحوّل معنایی شده‌اند. [ج) رفعتی نبشته آمد (۰/۲۵) د) به نشاط (۰/۲۵)

۹ الف) دریغ دوم: تکرار (۰/۲۵) ب) همه: بدل (۰/۲۵)

۱۰ الف) تن هر دو از نظر ناپدید شد. (ب) مضاف الیه (۰/۲۵) [وابسته‌های پیشین زمانی صفت هستند که پس از آن‌ها اسم بیاید.]

۱۱ گزینه (الف) (۰/۵) [ضمیر پیوسته در مصراع اول «متمّم» است. (چو

صبر و هوش از ضعیفی برای او نماند)]
توضیح (ب): ای (کسی که) کعبه به داغ مانتت نیلی‌پوش [است] /
متادای محذوف نهاد ترکیب اضافی ۱
وز تشنگی ات ... ترکیب اضافی ۲

۱۲ الف) دهقانی (۰/۲۵) آتشین (۰/۲۵) ب) یک مورد (۰/۲۵) [ابزار دهقانی: معطوف]

۱۳ گزینه (ب) (۰/۲۵) [تشبیه: «موج» به «سد» و «همه رزمگه» به «کوه فولاد» / موج (مانند حیوان) افسارگسیخته است: استعاره - آهنگین کوه: استعاره از عمرو]

۱۴ جناس همسان (۰/۲۵) در - بر - بر - در / که - که / که
حرف آغوش حرف در کعبه حرف چه کسی
اضافه اضافه ربط

۱۵ الف) تشبیه (۰/۲۵) [استعاره: روی روز - دامن شب / جناس: روی و روز]

ب) حسن تعلیل (۰/۲۵) [تشبیه: دانه انسان / تلمیح: زندگی پس از مرگ]
ج) سجع (۰/۲۵) [مجاز: زمان مجازاً همه / تضمین: روسر بنه به بالین تنها مراها کن]
د) حس آمیزی (۰/۲۵) [مجاز: پولاد مجازاً شمشیر / ایهام تناسب: برق
۱) درخشش (ق ق) ۲) رعد و برق (غ ق ق) متناسب با باران]

۱۶ الف) شهدا (۰/۲۵) ب) دو ویژگی ضدّ هم با یکدیگر جمع شده است.

به گونه‌ای که هر یک دیگری را نقض می‌کند. (ج) استعاره (۰/۲۵)

۱۷ اشاره به سرزمینی دارد که در آن خداوند با حضرت موسی (ع) سخن گفت. (۰/۵)

۱۸ گزینه (ب) (۰/۲۵) [حافظ]

۱۹ ج) (۰/۲۵) [منطق الطیر عطار]

۲۰ الف) سه دیدار (۰/۲۵) ب) تحفة الاحرار (۰/۲۵)

۲۱ بیت (ب) (۰/۲۵) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست (۰/۲۵)

۲۲ جغد بر ویرانه می‌خواند به انکار تو اما (۰/۵)

۲۳ الف) ۳ (۰/۲۵) ب) ۲ (۰/۲۵)

۲۴ الف) رزمندگان (۰/۲۵) ب) یخشنده و سخاوتمند (۰/۲۵)

۲۵ گزینه (الف) (۰/۲۵) (ب)، (ج) و (د): امام خمینی (ره) / (الف): شیخ

فضل‌الله نوری

۲۶ گزینه (الف) (۰/۲۵) واژه «ورطه» به معنای «مهلکه و گرفتاری» است و

گوینده با بیان این واژه، ناراحتی خود را از تقدیر ابرار داشته است. (۰/۲۵)

۲۷ ج): بخشندگی (۰/۲۵)

۲۸ د) (۰/۲۵) (الف)، (ب) و (ج): کاوه / (د): فریدون

۲۹ ب) (۰/۲۵) [پذیرش سختی‌های راه عشق]

۳۰ الف) ابوسعید ابوالخیر (۰/۲۵) ب) سعدی (۰/۲۵)

۳۱ ب) (۰/۲۵) (الف) و (ج): معشوق / (ب): عاشق

۳۲ به مرگ عادی مُردن (۰/۲۵)

۱۳ بادپا (۰/۲۵) [بادپا را چو کشتی در رود افکند.]

۱۴ گزینه (ب) (۰/۲۵) [باریدن تاج: استعاره / بارد و آرد: سجع / تاج: مجازاً بزرگی و عظمت]

۱۵ استعاره (۰/۲۵) [باریدن تیغ و تیغ / هژیر ژیان]

۱۶ پارادوکس یا متناقض‌نما (۰/۲۵) / (ب) (۰/۲۵)

۱۷ الف) حس آمیزی (۰/۲۵) [شیرین‌زبان] ب) تضمین (۰/۲۵) [رو سر بنه به بالین ...]

۱۸ گزینه (الف) (۰/۲۵) [تشبیه: کوی عشق / ایهام تناسب: دوش
۱) دیشب (ق ق) ۲) کف (غ ق ق) تناسب با دست]

۱۹ گزینه (ب) (۰/۲۵) (الف) و (ج): جهان مجاز از همه مردم و موجودات

۲۰ جناس ناهمسان (۰/۲۵) [بر و برگ - خار و خاره]

۲۱ گزینه (د) (۰/۲۵) [هم صدا با حلق اسماعیل: سیدحسن حسینی]

۲۲ گزینه (ج) (۰/۲۵) [ادبیات تعلیمی]

۲۳ حسام‌الدین چلبی (۰/۲۵) مثنوی معنوی (۰/۲۵)

۲۴ گزینه (ب) (۰/۲۵)

۲۵ مرا اوج عزّت در افلاک توست (۰/۵)

۲۶ بی‌تو حتّی مهربانی حالتی از کینه دارد (۰/۲۵)

۲۷ الف) دعوت به بخشندگی (۰/۲۵) ب) عقل و اندیشه ندارند و صرفاً ظاهر دارند. (۰/۲۵)

۲۸ قدرت (۰/۲۵) اسرائیل (۰/۲۵)

۲۹ الف) نامه‌نگاری (۰/۲۵) ب) بیهقی (۰/۲۵)

۳۰ لیلی (عشق) (۰/۲۵) مجنون (۰/۲۵)

۳۱ الف) ارزش و اعتبار خود را از دست دادند. (ب) (۰/۲۵) از روی اجبار و ناچاری
(ج) ضحاک را تأیید کنند و بگویند جز کار نیک، انجام نداده است. (۰/۲۵)

۳۲ الف) گوته (۰/۲۵) ب) حافظ (۰/۲۵)

۳۳ الف) ۱: تجربه و علم (۰/۲۵) ۲: اراده و غیرت (۰/۲۵) ب) قدرت بدون علم (۰/۲۵)

۳۴ الف) امیر مسعود سحرگاه (۰/۲۵) سوار اسب شد (۰/۲۵) و به ساحل رود هیرمند رفت. (ب) (۰/۲۵) خاک در نهایت حقارت و خواری (۰/۲۵) در برابر خداوند بزرگ باعزت، بهانه می‌آورد. (ج) (۰/۲۵) دام را بلند کنیم (۰/۲۵) که آزادی ما در این کار وجود دارد. (د) (۰/۲۵) مانند شتر، سر به هوا، بی‌نظم (۰/۲۵) و به شدّت بی‌دقت هستی. (۰/۲۵)

هـ) لطف خداوند تمامی ندارد. (۰/۲۵) و پیروی از حکم رهبر (۰/۲۵) واجب است: (۰/۲۵)

مشکلات بسیار زیاد هم مانعی نیست. (ز) آن دو جنگ‌جو با مهارت (۰/۲۵) در روش جنگیدن (۰/۲۵) ضربه‌های فراوانی را از یکدیگر دفع نمودند. (۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۳۹)

۱ درست (۰/۲۵) [اجازه = رخصت]

۲ الف) دام و تور (۰/۲۵) ب) بی‌قید و شرط (۰/۲۵)

۳ کیش (۰/۲۵)

۴ گزینه (ب): ۲ مورد (۰/۲۵) [مایع ← مایه / هلال ← حلال]

۵ الف) حوضه‌ها ← حوزه‌ها (ب) مسهور ← مسحور (۰/۲۵)

ج) فزون‌خواهانه ← فزون‌خواهانه (۰/۲۵)

۶ تعذیه ← تعزیه (۰/۲۵) محیب ← مهیب (۰/۲۵) نذاع ← نزاع (۰/۲۵)

صهن ← صحن (۰/۲۵)